

دوشنبه 15 تیر 1388 رجب 6 ثویبه

روز سیزدهم رجب، نخستین روز "ایام البیض" است...



”“

روز سیزدهم رجب، نخستین روز "ایام البیض" است و ایام البیض، به روزهای 13، 14 و 15 رجب گفته می شود و در این سه روز، اعمال عبادی فراوانی وجود دارد و انسان متعبد و عارف می تواند در این ایام، روح و روانش را با عبادت و طاعات الهی صیقل دهد و بازسازی درونی در خویشتن خویش ایجاد نماید.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کسی در شب 13 رجب، ده رکعت نماز به جای آورد [به صورت پنج نماز دو رکعتی] که در رکعت اول هر نماز پس از سوره حمد، سوره عادیات (و العادیات ضحی) و در رکعت دوم پس از حمد، سوره تکوین (الهیکم التکائر) را قرائت کند، خداوند متعال گناهانش را می آمرزد و اگر مورد عاق والدین خود باشد، خدا از او راضی و خرسند خواهد شد و دو فرشته نکیر و منکر، به او نزدیک نشده و اسباب ترس و وحشتش را فراهم نخواهند ساخت، و چون برق درخشنده از صراط عبور خواهد کرد و نامه اعمالش [در روز قیامت] به دست راستش داده شده و در پای میزان، اعمال سمت راستش سنگینی خواهد کرد و در بهشت فردوس، هزار شهر به وی اعطا می گردد.

امام جعفر صادق (ع) درباره فضیلت شب های ایام البیض فرمود: به این امت، سه ماه اعطا شد که به هیچ امت دیگری اعطا نشد و آن سه ماه عبارتند از: رجب، شعبان و رمضان.

هم چنین به آنان سه شب اعطا شد که به هیچ کس دیگری اعطا نشد و آن سه شب عبارتند از: شب 13، 14 و 15 هر ماه. هم چنین به این امت، سه سوره اعطا شد که به دیگران اعطا نشد و آن سوره ها عبارتند از: یس (یس * و القرآن الحکیم)، ملک (تبارک الذی بیده الملك) و توحید (قل هو الله احد). پس هر کسی که این سه دسته از فضایل را گرد آورد، به تمام آنچه که به این امت اعطا شده است، دسترسی پیدا خواهد کرد.

از آن حضرت پرسیده شد: چگونه بین این سه دسته از فضایل را می توان جمع کرد؟ امام جعفر صادق (ع) فرمود: در هر یک از این سه شب، در این سه ماه نماز بخواند. به این صورت که در شب سیزدهم، دو رکعت نماز بخواند که در هر رکعت، پس از حمد، این سه سوره را قرائت کند و در شب چهاردهم، چهار رکعت نماز بخواند که در هر رکعت، پس از حمد، این سه سوره را قرائت کند و در شب پانزدهم، شش رکعت نماز بخواند، که در هر رکعت پس از حمد، این سه سوره را قرائت کند. در این صورت ثواب و فضیلت تمام این سه ماه را به دست خواهد آورد و تمام گناهان وی، به جز شرک، بخشیده خواهد شد.

در این سه روز، روزه گرفتن بسیار ثواب دارد و اگر کسی اراده کند که عمل "ام داوود" را به جای آورد، باید از روز سیزدهم روزه بگیرد. به خواست خدای بزرگ، عمل ام داوود را در اعمال و عبادات روز پانزدهم بیان خواهیم کرد.

در میان شیعیان آل محمد (ص)، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ایجاد نظام جمهوری اسلامی در این کشور، هر ساله تعداد فراوانی از مؤمنین و مؤمنات در سه شب و روز ایام البیض، در مساجد بزرگ شهر، به اعتکاف نشسته و به عبادت و راز و نیاز با خدای مهربان می پردازند.

23 0

امام علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف در سیزدهم رجب سال سی ام عام الفیل، یعنی 23 سال پیش از هجرت نبوی در درون کعبه معظمه دیده به جهان گشود.

پدرش ابوطالب بن عبدالمطلب، که با عبدالله بن عبدالمطلب پدر حضرت محمد (ص)، برادر اعیانی و مادرشان فاطمه بنت عمرو بن عابد مخزومی بود. مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف بود. وی از جمله بانوان گروه نخست بود که به پیامبر (ص) ایمان آورد و مسلمان شد و رنج های ایام حضور در مکه را به همراه همسر و خانواده اش متحمل گردید و در هنگام هجرت پیامبر (ص)، وی نیز به مدینه هجرت نمود و در همین شهر مقدس بدرود حیات گفت و پیامبر (ص) با پیراهن خود وی را کفن کرد، تا بدین وسیله او را از گزند گزندگان زمین و هم از آسیب قبر در امان نگه دارد و اقرار به ولایت فرزندش علی بن ابی طالب (ع) را به وی تلقین کرد، تا هنگام پرسش نکیرین، به راحتی پاسخشان دهد. رسول خدا (ص)، او را بدین طریق احترام کرد و از این فضل عظیم برخوردار ساخت.

ابوطالب (ع) و همسرش فاطمه بنت اسد (س) برای پیامبر (ص) و گسترش دین مبین اسلام تلاش های زیادی به عمل آورده و رنج ها و سختی های فراوانی متحمل گردیدند. از زمانی که حضرت عبدالمطلب (ع) وفات یافت، کفالت نواده یتیمش محمد بن عبدالله (ص) بر عهده عمویش ابوطالب (ع) افتاد و وی آن حضرت را تا آخر عمرش (به مدت 44

سال) سرپرستی و پشتیبانی نمود و از عقاید و افکارش حمایت کرد.

ابوطالب (ع) و فاطمه بنت اسد (س)، در ننگه داری پیامبر (ص) چنان عمل می کردند، که وی را بر فرزندان خود ترجیح می دادند و به او بهتر و بیشتر می رسیدند.

به همین لحاظ پیامبر (ص)، با وجود آن دو مهربان، احساس یتیمی نمی کرد و جای پدر و مادر خویش را خالی نمی دید.

حضرت علی (ع) و برادران و خواهرانش، نخستین کسانی بودند که هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، هاشمی بودند.

کنیه های امام علی (ع) عبارت است از: ابوالحسن، ابوالحسین، ابوالحسنین، ابوالسبئین، الریحانین و ابوتراب. معروف ترین کنیه هایش ابوالحسن و ابوتراب می باشد.

القاب آن حضرت عبارتند از: امیرالمؤمنین، سیدالوصیین، سیدالمسلمین، سیدالوصیاء، سیدالعرب، خلیفه رسول الله، امام المتقین، یسوس المؤمنین، صهر رسول الله، حیدر، مرتضی، وصی و ...

تولد مبارک آثارش در شهر مکه معظمه و در داخل خانه خدا (کعبه) واقع گردید. تولد در خانه کعبه، فضیلتی ویژه حضرت علی (ع) است و خدای متعال، تنها وی را به چنین امتیازی کرامت نمود. نه پیش از او و نه پس از او، برای هیچ کسی چنین فضیلتی پدید نیامده است.

مرحوم شیخ عباس قمی، کیفیت ولادت آن حضرت را چنین بیان کرد: آن چه به سندهای بسیار وارد شده، آن است که روزی عباس بن عبدالمطلب، با یزید بن عنقب و با گروهی از بنی هاشم و جماعتی از قبیله بنی العزی در برابر خانه کعبه نشسته بودند، ناگاه فاطمه بنت اسد به مسجد در آمد و به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، نه ماه آستن بود و او را درد زائیدن گرفته بود. پس در برابر خانه کعبه ایستاد و نظر به جانب آسمان افکند و گفت: پروردگارا! من ایمان آورده ام به تو و به هر پیامبر و رسولی که فرستاده ای و به هر کتابی که نازل گردانیده ای و تصدیق کرده ام به گفته های جدم ابراهیم خلیل (ع) که خانه کعبه بنا کرده او است، پس سؤال می کنم از تو، به حق این خانه و به حق آن کسی که این خانه را بنا کرده است و به حق این فرزندی که در شکم من است و با من سخن می گوید و به سخن گفتن خود مونس من گردیده است و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت تو است، که آسان کنی بر من ولادت او را.

عباس و یزید بن عنقب گفتند که چون فاطمه از این دعا فارغ شد دیدیم که دیوار عقب خانه، شکافته شد. فاطمه از آن رخنه داخل شد و از دیده های ما پنهان گردید، پس شکاف دیوار به اذن خدا به هم پیوست و ما چون خواستیم در خانه را بگشاییم چندان که سعی کردیم، در گشوده نشد. دانستیم که این امر از جانب خدا واقع شده و فاطمه سه روز در

اندرون کعبه ماند. اهل مکه در کوجه ها و بازارها این قضیه را نقل می کردند و زن ها این حکایت را یاد می کردند و تعجب می نمودند. تا روز چهارم رسید، پس همان موضع از دیوار کعبه که شکافته شده بود، دیگر باره شکافته شد، فاطمه بنت اسد بیرون آمد و فرزند خود اسدالله الغالب علی بن ابی طالب(ع) را در دست خویش داشت و می گفت: ای گروه مردم! به درستی که حق تعالی برگزید مرا از میان خلق خود و فضیلت داد مرا بر زنان برگزیده که پیش از من بوده اند. زیرا که حق تعالی برگزید آسیه دختر مزاحم را و او عبادت کرد حق تعالی را پنهان در موضعی که عبادت خدا در آن جا سزاوار نبود، مگر در حال ضرورت، یعنی خانه فرعون. و مریم دختر عمران را حق تعالی برگزید و ولادت حضرت عیسی(ع) را بر او آسان گردانید و در بیابان درخت خشک را جنباند و رطب تازه از برای او از آن درخت فرو ریخت و حق تعالی مرا بر هر دو و زیادتی داد و هم چنین بر جمیع زنان عالمیان که پیش از من گذشته اند. زیرا که من فرزندی آورده ام در میان خانه برگزیده او و سه روز در آن خانه محترم ماندم و از میوه ها و طعام های بهشت تناول کردم و چون خواستم که بیرون آیم، در هنگامی که فرزند برگزیده من بر روی دست من بود، هاتفی از غیب مرا ندا کرد که: ای فاطمه! این فرزند بزرگوار را "علی" نام کن، به درستی که منم خداوند علی اعلی و او را آفریده ام از قدرت و عزت و جلال خود و بهره کامل از عدالت خویش به او بخشیدم و نام او را از نام مقدس خود اشتقاق نموده ام و او را به آداب خجسته خود تأدیپ نموده ام و امور خود را به او تفویض کرده ام و او را به علوم پنهان خود مطلع کرده ام و در خانه محترم من متولد شده است و او اول کسی است که اذان خواهد گفت بر روی خانه من و بت ها را خواهد شکست و آن ها را از بالای کعبه به زیر خواهد انداخت و مرا به عظمت و مجد و بزرگواری و یگانگی یاد خواهد کرد و اوست امام و پیشوا بعد از حبیب من و برگزیده از جمیع خلق من (محمد(ص)) که رسول من است و او وصی او خواهد بود. خوشا حال کسی که او را دوست دارد و یاری کند او را و وای بر حال کسی که فرمان او نبرد و یاری او نکند و انکار حق او نماید.

آری، حضرت علی(ع) در چنین روز مبارک و در چنین محل مبارک و با میزبانی خدای سبحان دیده به جهان گشود و جهان هستی را از انوار الهی اش روشن گردانید. ابوطالب(ع) و فاطمه بنت اسد(س)، در نگره داری و تربیت این نازنین فرزند، تلاش بلیغی به عمل آوردند. ولی هنوز چند سالی از ولادت با برکتش نگذشته بود که حضرت محمد(ص) و همسرش خدیجه کبری(س) از ابوطالب(ع) و همسرش فاطمه بنت اسد(س) تقاضا نمودند که نگره داری این کودک دلربا را به آنان واگذارند. ابوطالب(ع) و فاطمه بنت اسد(س) به خاطر شدت علاقه و محبت به حضرت محمد(ص)، درخواستش را رد نکرده و نگره داری علی(ع) را به وی سپردند.

از آن پس، علی(ع) در دامن مهرانگیز رسول خدا(ص) رشد و تعالی یافت و مراحل تکامل را طی نمود. او نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و تا آخر عمر شریف خود در اعتلای کلمه لا اله الا الله و عدالت اسلامی، لحظه ای از پای ننشست. زید بن ارقم روایت کرد: اول من صلی مع رسول الله(ص) علی بن ابی طالب(ع)؛ نخستین کسی که با رسول خدا(ص) نماز گزارد، علی(ع) بود.

1327

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

شیخ فضل الله کجوری معروف به نوری فرزند ملا عباس نوری طبرسی به تاریخ 2 ذیحجه 1258 هجری قمری در کجور مازندران چشم به جهان گشود.

تحصیلات :

وی پس از طی تحصیلات مقدماتی در دوران کودکی و نوجوانی در آغاز جوانی به همراه میرزا حسین نوری دایی و پدر عیال خود به نجف اشرف مهاجرت کرد. و در حوزه درس اساتید بزرگی به کسب علم پرداخت و مورد توجه استادان خود قرار گرفت و به مرتبه بلند فقاقت و اجتهاد نایل آمد. شیخ فضل الله بر علوم حوزه های دینی احاطه کامل پیدا کرد و چنان در مایه فضل و دانش شهرت یافت که علاوه بر دوستان، مخالفین وی نیز مرتبه علمی او را تأیید می نمودند.

اساتید :

شیخ فضل الله از محضر علمای بزرگی چون : میرزای شیرازی کسب علم نموده است.

شاگردان :

شخصیت هایی همچون مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حایری مؤسس حوزه علمیه قم از محضر پر فیض او کسب علم نموده اند و به مراتب عالی علمی رسیده اند.

تألیفات :

شیخ نوری علاوه بر تدریس و ارشاد و رسیدگی به امور مردم در کار تألیف رسایل فقهی و اصولی و فلسفی و سیاسی و همچنین تصحیح کتابهای معروف و معتبر علمای گذشته اهتمامی تمام داشت آنچه از او باقی مانده است به شرح زیر می باشد:

- 1 - صحیفه قائمیه.
- 2 - رساله اصولی.
- 3 - رساله سوال و جواب.
- 4 - رساله عملیه حاوی 60 پرسش از میرزای شیرازی.
- 5 - رساله تحریم سفر حاجیان به مکه از طریق جبل.
- 6 - تذکره العاقل و ارشاد الجاهل در رد سیاست مشروطه.
- 7 - شرح مقاصد.
- 8 - تحریم مشروطیت حاوی موافقت اولیه و مخالفت ثانویه با دلایل شرعی.

گفتار بزرگان :

دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد مشروطیت : مرحوم شیخ فضل الله ایستاد که مشروطه باید مشروعه باشد، باید قوانین موافق اسلام باشد. در همان وقت که ایشان این امر را فرمود و متمم قانون اساسی هم از کوشش ایشان بود، مخالفین، خارجی ها، که یک همچو قدرتی را در روحانیت دیدند، یک دادگاه درست کردند در ایران و یک نفر منحرف روحانی نما را آوردند که شیخ فضل الله مجاهد و مجتهد دارای مقامات عالیه را محاکمه کرده و در میدان توپخانه در حضور جمعیت به دار کشیدند. و پای آن هم کف زدند و این نقشه ای بود برای اینکه اسلام را منعزل کنند و کردند و از آن به بعد دیگر نتوانست مشروطه یک مشروطه ای باشد که علمای نجف می خواستند. حتی قضیه مرحوم آقا شیخ فضل الله را در نجف هم یک جور بدی منعکس کردند که آنجا هم صدایی از آن در نیامد. این جوی که ساختند در ایران و در سایر جاها، این جو، اسباب این شد که آقا شیخ فضل الله را با دست بعضی از روحانیون خود ایران محکوم کردند و بعد به دار کشیدند و شکست دادند اسلام را. .. علامه امینی درباره شیخ فضل الله چنین می گوید : شخصیت مورد بحث ما از پیشوایان مسلمین و پرچمداران دانش و دین و بزرگ ترین عالم تهران بود فضل و ادب از گفتار و بیانش می ریخت. خواهر زاده و داماد علامه نوری بود.

بیرم خان ارمنی که طومار زندگی شیخ را درهم پیچیده و او را به دار کشید، در یاد داشت های خود آورده است: شیخ نوری روحانی عالیقدری بود و گفته او برای توده خلق به منزله وحی محسوب میشد شیخ فضل الله تا آن زمان که در عراق بود در کنار بهره گیری از دانشمندان بزرگ حوزه دینی نجف و سامرا، دارای مجلس درس قابل توجهی بود.

مقام علمی :

شیخ پس از فرا گرفتن علوم حوزوی و پس از نبل به مرتبه اجتهاد و تألیف چند رساله فقهی و اصولی از تقریرات درسهای استادان بر جسته خود و اخذ اجازه نقل روایت به اشاره میرزای شیرازی برای ارشاد مردم و هدایت ایشان به سال 1300 هجری قمری به تهران آمد و پس از در گذشت میرزا حسن آشتیانی مجتهد طراز اول تهران شد.

فعالیت :

فعالیت های شیخ فضل الله نوری علیه سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بیگانگان پس از ورود به ایران آغاز گردید و در نهضت تنباکو شکل مخصوص به خود گرفت

وی در این جنبش ضد انگلیسی فعالانه شرکت کرد و همراه میرزا حسن آشتیانی در محور این حرکت قرار گرفت که در نهایت به پیروزی مذهبیون انجامید. همچنین وی یکی از افرادی بود که با جنبش مشروطیت به مخالفت برخاست زیرا وی مدانست که بانی چنین حرکتی روشنفکران غرب گرا هستند که اهداف خود را پنهان کرده اند. او پیوسته طرفدار مشروطه مشروعه و حکومت بر اساس آیات الهی و قوانین قرآنی بود. از جمله فعالیت های علنی او تحصن سه ماهه در حضرت عبد العظیم و مدرسه مروی بود.

دوران :

سرانجام مشروطه خواهان پس از فتح تهران توسط سردار اسعد و سپهبد تنکابنی با هم یاری دو دولت روس و انگلیس شیخ را بزرگ ترین مانع مقاصد شوم خود می دانستند.

شیخ در زمانی که محمد علی شاه و امام جمعه و امیر بهادر به سفارت روسیه پناهنده شده بودند تا تحت پرچم بیگانه مدتی دیگر به حیات ننگین خود ادامه دهند. همچنان استوار و نستوه منتظر تقدیر الهی بود و در خواست دیپلمات های روسی و عثمانی را جهت پناهنده شدن به سفارت خانه های بیگانگان بدون جواب گذاشت. سفارت روسیه با مایوس شدن از پناهندگی شیخ برای سوء استفاده از موقعیت آن شهید راضی شد حداقل پرچم روسیه را بر بام خانه اش برافرازد و او در برابر این پیشنهاد فرمود که : اسلام هرگز زیر بیرق کفر نخواهد رفت.

زمان انتقام از مشروطه خواهان فرا رسیده بود و به قول یکی از نویسندگان فتح تهران بی قربانی برای مهاجمان صفایی نداشت ! به این ترتیب عده ای از افراد مسلح طبق دستور بیرم خان به فرماندهی یوسف خان ارمنی در شامگاه 11 رجب سال 1327 هجری قمری به اقامتگاه آن مجتهد بزرگ یورش برده و شیخ را با وقاحت تمام از خانه خارج و پس از یک محاکمه ساختگی به دادستانی شیخ ابراهیم زنجانی فراماسون ضد اسلام محکوم به حکم از قیل تعیین شده اعدام نمودند.

وفات (شهادت) :

حکم اعدام آن پاسدار شریعت نویی در عصر روز 13 رجب سال 1327 هجری قمری مطابق با ولادت و مبارک امیر مومنان حضرت علی (علیه السلام) در میدان توپخانه تهران به مرحله اجرا در آمد.

گویند قبل از اینکه ریسمان به گردن وی اندازند یکی از رجال وقت با عجله برای او پیغامی آورد که شما این مشروطیت را امضا کنید و خود را از کشته شدن رها سازید، گفت : « من در خواب رسول خدا را دیدم که فرمود : فردا میهمان منی، و من چنین امضایی را نخواهم کرد » و بعد رو به قبله کرد و شهادتین خود را گفته و با لبخندی غم آلود بی آنکه کوچک ترین ترس و هراسی از او مشهود باشد رو به دژخیمان کرد و گفت : کار خود را بکنید یوسف خان ارمنی طناب دار را بر گردن شیخ انداخت. اندکی بعد چهار پایه را از زیر پایش کشیدند دیگر هیچ کس از آقا کمترین حرکتی ندید. گویی که اصلا هیچ وقت زنده نبوده است. جنازه شیخ را پس از بی احترامی فراوان به اصرار منسوبین او تحویل خانواده شهید دادند. جسد آن فقید سعید به طور موقت در یکی از اتاق های منزلش دفن گردید تا اینکه 18 ماه بعد به علت پیش آمدن شرایط نوین سیاسی جنازه ایشان از تهران به قم منتقل و در صحن مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) به خاک سپرده شد.

911 < > < >

514 سال پیش درچنین روزی - 13 رجب سال 911 هجری قمری: « زین الدین علی ابن احمد عاملی» معروف به « شهید ثانی» از فقیهان نامدار شیعی درجیل عامل دنیا آمد. وی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگ خود آغاز کرد و برای تکمیل تحصیل سفرهای بسیار کرد و سرانجام در پایان تحصیل بعد از تشریف به خانه خدا به زادگاهش بازگشت و به تحقیق و تدریس پرداخت. شهید ثانی در سایه شهرت علمی خود مرجعیت یافت و به گونه ای که دانشمندان از دور دست ترین نقاط برای بهره گیری از برکات علمی وی به محض او می آمدند. آثار علمی شهید ثانی به دهها کتاب و رساله می رسد که از آن میان «شرح لمعه و روض الجنان» را می توان نام برد. شهید ثانی بعد از داوری به حق میان دو تن از اهالی جیع مورد خشم شخص محکوم واقع شد و بدست همین شخص به شهادت رسید.

1311

محمودخان ملك الشعراء کاشانی ادیب و شاعر معروف ایرانی در سال 1311 هجری قمری درگذشت. او در فنون ادب، حکمت، تفسیر، عروض، نظم و نثر و انشای رسایل سرآمد همگان شد. محمودخان کاشانی در حُسن خط از نسخ گرفته تا نستعلیق و در نقاشی بویژه در درون‌نما سازی تبحر داشت. نمونه ای از کارهای هنری او در کاخ گلستان موجود است. کاشانی پس از فوت پدر به منصب ملك الشعراء دست یافت. از محمودخان کاشانی ادیب ایرانی علاوه بر دیوان اشعار کتابی در باب القاب دولت ناصری باقیست.

1360

مهندس علی انصاری استاندار پر تلاش و مؤمن گیلان به دست منافقان در سال 1360 هجری شمسی به شهادت رسید. او در سال 1323 شمسی در خانواده ای مذهبی متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاهش و سپس در تهران در دانشگاه تهران ادامه داد. اما بدلیل فعالیت‌های ضد رژیم طاغوت از ادامه تحصیل وی جلوگیری به عمل آمد. به این جهت وی به آمریکا رفت و در رشته ریاضی با درجه دکتری فارغ التحصیل شد. شهید انصاری ضمن ادامه تحصیل در آمریکا تدریس می کرد و دبیری انتشارات انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را نیز به عهده داشت و به همین دلیل از تدریس منع شد. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به میهن بازگشت و از همان ابتدا در خدمت انقلاب قرار گرفت. عاقبت این انسان مؤمن و وطن پرست به خاطر دفاع از انقلاب اسلامی و کوشش جهت پیشبرد اهداف آن مورد عداوت منافقان قرار گرفت و به شهادت رسید.